



## بررسی رابطه اسلام و ایمان از منظر دیوبندیه و

### سلفیه

رضا احمدزاده\*

#### چکیده

دیوبندیه و سلفیه دو جریان مذهبی هستند که با هم اختلاف اساسی دارند. یکی از موارد اختلافی بین این دو جریان که تبعات فراوانی می‌تواند بر آن مترتب شود، معنا و مفهوم اسلام و ایمان از دیدگاه این دو گروه است. در این مقاله سعی شده که با روش تحلیلی-توصیفی، اسلام و ایمان از منظر دیوبندیه و سلفیه بررسی شود و اشتراکات و افتراقات آنها تبیین گردد. در این مقاله مشخص می‌شود که دیوبندیه به پیروی از حنفیه و ماتریدیه، ورود در اسلام را به شهادتین یا هر چیزی که نشان دهنده اسلام یک فرد باشد بیان می‌کند و ورود به ایمان را تصدیق و اعتقاد قلبی می‌داند؛ همچنین اسلام ظاهری مثبت احکام دنیوی می‌شود و ایمان را به حداقلی و حداکثری تقسیم می‌کنند. در ایمان حداقلی، صرف باور قلبی کفایت می‌کند و عمل در آن دخیل نیست؛ اما ایمان حداکثری، ایمانی است که به وسیله عمل شدت و ضعف می‌یابد. سلفیه در اسلام اختلافی با دیوبندیه نداشته و صرف اقرار زبانی را برای اسلام کافی می‌داند؛ اما در ایمان، مقابل دیوبندیه و حتی اهل سنت قرار می‌گیرد؛ زیرا در ایمان حداقلی، تصدیق را به‌تنهایی کافی ندانسته و عمل را نیز در ایمان شرط می‌دانند و دایره ایمان را کوچک جلوه می‌دهند؛ اما با بررسی قرآن و سنت قطعی می‌توان فهمید که سلفیه مخالف شریعت عمل کرده و فهم ناصحیحی از ایمان ارائه می‌کنند. خداوند در آیه ۱۴ سوره حجرات، اسلام را به‌معنای پذیرش ظاهری و ایمان را پذیرش و تصدیق قلبی معرفی کرده و در ایمان هیچ اشاره‌ای به عمل ندارد. در ضمن، اشاره به این نکته

---

\* فارغ‌التحصیل مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم‌السلام).

Reza.00313@gmail.com

ضروری است که شیعه نیز مانند دیوبندیه و اهل سنت برخلاف سلفیه معتقدند که عمل داخل در دایره ایمان نیست؛ بلکه تنها در شدت و ضعف ایمان دخیل است و هر شخصی همراه اقرار لسانی بر پذیرش دین اسلام، اعتقاد قلبی را ضمیمه کند، داخل در دایره ایمان است.

**کلیدواژه‌ها:** ایمان، اسلام، دیوبندیه، سلفیه، عمل.

## مقدمه

اسلام و ایمان یکی از محوری‌ترین اندیشه‌های مسلمانان در کلام اسلامی است که در برابر آن، شرک و کفر قرار می‌گیرند. بعضی گروه‌ها نیز به علت عدم درک صحیح از این معانی، به افراط (مانند خوارج) یا تفریط (مانند مرجئه) کشیده شده‌اند. این بحث به دلیل اهمیت، همواره در کانون مباحثات و مجادلات مذاهب و فرق قرار داشته است. ازجمله این فرقه‌ها، دیوبندیه و سلفیه هستند که در تعریف اسلام و ایمان اختلافاتی دارند. این اختلاف نه تنها در حوزه عقاید، بلکه در زندگی دنیوی انسان، نقش بنیادین ایفا می‌کند؛ زیرا جایگاه فرد در جامعه اسلامی و امنیت و حرمت وی، با مومن یا کافر بودن وی ارتباط مستقیم دارد؛ بنابراین ضرورت دارد اختلاف این دو دیدگاه و انتخاب قول صواب صورت بگیرد. مقالات و کتب در مورد اسلام و ایمان یا ایمان و کفر (مانند کتاب ایمان و کفر آیت‌الله سبحانی و یا کتاب ایمان و کفر علی‌زاده موسوی) فراوانند؛ اما اینکه نوشته‌ای مستقل در مورد بررسی تطبیقی ایمان و اسلام از منظر دیوبندیه و سلفیه باشد، دیده نشد؛ لذا نیاز است که اختلافات این دو گروه را روشن کرده و نشان دهیم که اعتقاد وهابیت و سلفیه مقابل دیوبندیه به طور خاص، و اهل سنت به طور عام است و در واقع، سلفیه که همانند خوارج راه افراط را در پیش گرفته و همانند آنها تیغ شرک و تکفیر را بر پیکر مسلمین فرود آورد، مورد تایید مسلمانان نیست.

در این مقاله برای به دست آوردن دیدگاه هر دو گروه از کلمات بزرگان و علمای آنها، استفاده شده که با نقد و بررسی هر دو نظریه، دیدگاه حق آشکار می‌گردد. اما در ابتدا ضروری است جهت نقد و بررسی این دو دیده، کلیتی از فرقه سلفیه و

دیوبندیه ارائه گردد و در ادامه به تفاوت‌های ایمان و اسلام از نگاه آنها پرداخته شود.

## سلفیه

سلفی از ریشه سلف و سلف به معنای پیشین و گذشتگان است. ابن منظور می‌نویسد: «سلف، یسلف، سلفاً و سلوفاً؛ یعنی پیشی گرفت. سالف یعنی پیشی گیرنده، سلف و سلفه یعنی جماعت پیشی گیرنده.<sup>۱</sup> ابن فارس می‌گوید: سلف یعنی کسانی که گذشته‌اند.<sup>۲</sup> اما در اصطلاح، سلفیه و سلفی‌گری به جریانی در اهل سنت گفته می‌شود که روش خاصی در تفسیر متون دینی مانند قرآن و سنت ارائه کرده و بر اساس فهم مسلمانان سه قرن نخستین اسلام، متون دینی را تفسیر و تبیین می‌کنند. آنها راه حل مشکلات مسلمانان را بازگشت به تعالیم ناب نخستین معرفی می‌کنند. آنها معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شود که در عصر صحابه و تابعین و تابعین تابعین مطرح بوده است. آنها با استناد به حدیث خیر القرون،<sup>۳</sup> سه قرن نخستین اسلامی را بهترین قرون اسلامی دانسته و برای کسانی که در این دوره زندگی کرده‌اند مرجعیت فکری قائل‌اند.<sup>۴</sup> برجسته کردن توحید، سنت جهاد، تکفیر و مراجعه مستقیم به متن، از شاخصه‌های سلفیه به شمار می‌رود. سلفیان با تکیه بر تفسیر خود از توحید، بسیاری از مسلمانان را به-خاطر برخی اعمال، اهل بدعت و مشرک می‌خوانند.<sup>۵</sup> در این بین می‌توان ابن تیمیه را به-عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز آنها نام برد.

## دیوبندیه

دیوبندیه مکتبی است که در قرن سیزده هجری (۱۲۸۳هـ)، به دست شماری از علمای حنفی شبه‌قاره هند، بر مبنای تفکرات شاه ولی‌الله دهلوی در روستای دیوبند<sup>۶</sup> تأسیس

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۳۱-۳۳۰.

۲. ابن فارس، ابوالحسن، معجم المقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۶.

۳. «خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم...» (بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۷۱).

۴. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الفتاوی، ج ۴، ص ۹۶؛ ابن تیمیه، احمد، اقتضا الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۶۹۴-۶۹۳.

۵. پورحسن، ناصر، سیفی، عبدالمجید، تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام، ص ۳۴ و ۷.

۶. دیوبند شهری در ایالت اوتارپرادش پاکستان است.

شد.<sup>۱</sup> از منظر دیوبندیه، هر فردی آرا و افکار خود را از مجدد الف ثانی احمد سرهندی و شاه ولی الله دهلوی بگیرد و این تفکرات را با اندیشه مؤسسان جامعه دارالعلوم دیوبند متصل بداند، در زمره علمای دیوبند به‌شمار می‌رود.<sup>۲</sup> علمای دیوبندیان در فقه مقلد ابوحنیفه و در اعتقاد و کلام تابع ابومنصور ماتریدی و ابوالحسن اشعری هستند و نگاه مثبتی به سلسله‌های تصوف اعم از نقشبندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه دارند و در مسائل توحید ربوبی و الوهی تحت تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه، برخی از اعمال مسلمانان را بدعت و شرک می‌دانند.<sup>۳</sup> تفکر دیوبند قریب به هفتاد سال پیش به ایران وارد شد و امروزه بسیاری از مولوی‌های شرق ایران از فارغ التحصیلان مکتب دیوبند هستند.<sup>۴</sup>

## اسلام

اسلام از ماده سلم، مصدر باب افعال و به معنی "دخول در سلم و صلح" و "تسلیم بودن" است؛ لذا «أَسْلَمَ لِأَمْرِ اللَّهِ» به معنی گردن نهادن و اطاعت از فرمان خداست<sup>۵</sup> و اسلام به معنای اظهار خضوع و التزام به شریعت، «سَلِمَ لَهُ الشَّيْءُ أَيْ خَلَصَ لَهُ»، دخول در پناهگاه، یا دین اسلام است.<sup>۶</sup>

بعد از بیان معنای لغوی اسلام، به معنای اصطلاحی آن از نظر دیوبندیه و سلفیه پرداخته می‌شود، تا چنانچه اختلافی بین آنها در این مسأله بود روشن گردد.

## اسلام از منظر سلفیه

بزرگان سلفیه، اسلام را در معنای تصدیق وحی و اطاعت از اوامر و نواهی خداوند و رسول الله ﷺ و انجام اعمال ظاهری مانند شهادتین، نماز، زکات، روزه معرفی

۱. الرحمن، سید طالب، الدیوبندیة تعریفها عقائدها، ص ۲۱.

۲. طیب، محمد، علماء دیوبند عقیده و منهج، ص ۷۳-۶۹.

۳. سهارنبوری، خلیل احمد، المهند علی المقتد، ص ۳۴-۳۳.

۴. میبدی، علی، کتابچه دیوبندیه، ص ۶.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ج ۱، ص ۴۲۳.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۳.

۷. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، الصلاة و احکام تارکها، ص ۴۸.

کرده‌اند. آنها به روایت «الاسلام علانیه و الایمان فی القلب» (اسلام در ظاهر و ایمان در قلب است) استناد می‌کنند؛<sup>۱</sup> همچنان که ابن عثیمین می‌گوید: اسلام به معنای اعمال ظاهری است، که شامل اقرار زبانی و عمل به جوارح می‌شود؛<sup>۲</sup> در نتیجه همچنین که بت‌پرست، مسلمان نیست، اگر شخصی خداوند را قبول داشته باشد، اما عبادت نکند، یا از عبادت روی‌گردان باشد، مسلمان محسوب نمی‌شود. در یک جمله می‌توان اسلام را عمل به قلب و عمل به جوارح تعریف کرد.<sup>۳</sup> اسلام اگر در کنار ایمان بیان شود، منظور از اسلام، اعمال ظاهری و ایمان، اعمال باطنی است؛ اما گاهی اسلام مستقل از ایمان می‌آید؛ در این صورت اسلام، ایمان را در بر می‌گیرد. مانند آیه ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾.<sup>۴</sup> سلفیه دین را دارای سه درجه اسلام، ایمان و احسان می‌دانند که اسلام پایین‌ترین درجه دین است؛<sup>۵</sup> بنابراین ممکن است شخصی مومن نباشد، اما مسلم باشد.<sup>۶</sup> صالح فوزان یکی از سلفی‌های معاصر نیز به حدیث جبرئیل<sup>۷</sup> و آیه چهاردهم سوره حجرات<sup>۸</sup> استناد کرده و اسلام را انقیاد ظاهری در مقابل ایمان قرار می‌دهد؛<sup>۹</sup> در نتیجه اسلام از نظر سلفی‌ها یعنی انجام اعمال ظاهری که نشان دهد فرد دین حضرت محمد ﷺ را پذیرفته و این پذیرش خواه لسانی باشد، خواه جوارحی.

## اسلام از منظر دیوبندیه

علمای دیوبندی اسلام را به‌طور کلی همانند سلفیه تعریف کرده و معتقدند که اسلام یعنی

۱. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۵؛ ابن عبدالوهاب، محمد، فتاوی و مسائل، ص ۵۶.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۴۸.

۳. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۲۰۷.

۴. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب، ج ۴، ص ۱۹۷.

۵. آل‌بانی، ناصرالدین، موسوعه آل‌بانی فی العقیده، ج ۴، ص ۱۵ و ۹.

۶. ابن عبدالوهاب، محمد، فتاوی و مسائل، ص ۵۶.

۷. «الاسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله □، وتقيم الصلاة وتؤتي الزكاة وتصوم رمضان وتحج البيت إن استطعت إليه سبيلاً؛ اسلام شهادت به یگانگی خداوند، رسالت حضرت محمد □، اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه رمضان و حج خانه خدا در زمان استطاعت است»؛ (بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۹).

۸. ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

۹. ابن فوزان، صالح، مجموع فتاوی ج ۱، ص ۱۲؛ ابن فوزان، صالح، المنتقى من فتاوى، ج ۳۱، ص ۲.

انقیاد ظاهری و تلفظ به شهادتین<sup>۱</sup> و اقرار به هر آنچه مترتب بر این شهادتین است. اسلام ظاهری برخلاف اسلام کامل، از ایمان جداست. خداوند می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا»<sup>۲</sup> و با مداومت بر اعمال ظاهری، اسلام از ظاهر به باطن رسوخ می‌کند و باطن انسان را به تصدیق قلبی می‌کشانند؛<sup>۳</sup> هرچند اسلام بدون ایمان و تصدیق قلبی مطلوب شریعت نیست، اما احکام دنیوی مانند احترام جان، مال و عرض برای فرد به‌همراه دارد.<sup>۴</sup> محمد الیاس کاندهلوی و شبیر احمد عثمانی معتقدند: شریعت سه تعریف برای اسلام ارائه کرده است. در تعریف اول، اسلام با ایمان مترادف است. در تعریف دوم، اسلام و ایمان مخالف هم هستند و در معنای سوم، اسلام عام و ایمان خاص است.<sup>۵</sup>

با بررسی اسلام مشخص می‌شود که از منظر دیوبندیه، اسلام بیشتر بر اطاعت و فرمان‌برداری ظاهری اطلاق می‌شود. در یک جمله می‌توان نظر دیوبندیه را در مورد اسلام این‌گونه بیان کرد که اسلام به‌معنای پذیرش ظاهری دین خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و یک مسلمان ممکن است مومن باشد یا نباشد؛ مانند شخص منافق که مسلمان به‌شمار می‌رود، اما مومن نیست.

## ارزیابی

اسلام از نظر هر دو گروه سلفیه و دیوبندیه به‌معنای شهادتین و انجام اعمال ظاهری است؛ در واقع می‌توان گفت اسلام یعنی هر چیزی که نشان دهند پذیرش اسلام توسط یک فرد باشد؛ بنابراین تفاوتی نمی‌کند، اظهار اسلام به اقرار زبانی و شهادتین باشد یا با عمل؛ همانند نماز و روزه. خداوند در آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ

۱. قطب‌الدین خان دهلوی، نواب، مظاهر الحق شرح مشکوه شریف، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۳. کشمیری، محمد انور شاه، فیض الباری علی صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۴۲؛ عثمانی دیوبندی، محمد شفیع، معارف القرآن، ص ۱۷۲؛ سیدزاده، عبدالواحد، احسن المقصود فی توحید المعبود، ص ۴۷.

۴. طیب قاسمی، قاری محمد، سه اصل مهم دین، ص ۲۳.

۵. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۱، ص ۳۰۳؛ کاندهلوی، محمد الیاس، التعلیق الصبح، ج ۱، ص ۱۴.

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا<sup>۱</sup>؛ در این آیه خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در زمان خروج برای جنگ اگر به فرد ناشناس مواجه شدید و به شما سلام کرد نگوئید مومن نیستی....

در واقع این آیه به صرف سلام کردن (که یک تحیت بین مسلمانان است)، فرد را از کفر خارج دانسته و دستور می‌دهد برای به دست آوردن غنیمت، چنین کسی را به قتل نرسانید؛ در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که همان‌گونه که شهادتین، اسلام یک فرد را ثابت می‌کند، عمل طبق اسلام مانند نماز، روزه و زکات نیز کاشف از اسلام یک فرد است. بنابراین سلفیه و دیوبندیه در این عقیده مشترک هستند که اسلام به شهادتین یا انجام اعمال ظاهری محقق می‌شود و از این جهت بین این دو دیدگاه افتراقی نیست. ما در ادامه ایمان را از منظر سلفیه و دیوبندیه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ایمان

ایمان، مصدر باب افعال است: «آمن يؤمن، ایماناً». اهل لغت چند معنا را برای آمن ذکر کرده‌اند: «آمن به، الأَمَنُ وَالْأَمَانُ» نقیض خوف<sup>۲</sup> و به گفته راغب اصفهانی، ریشه آمن از اطمینان نفس و از میان رفتن خوف است؛<sup>۳</sup> همچنین به معنای صدقه و ضد خیانت نیز آمده است.<sup>۴</sup> معنای دیگر امن "تصدیق کردن" است.<sup>۵</sup> خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ که شاهی به همین معنا است.<sup>۶</sup> لسان

۱. ای کسانی که ایمان آوردید چون در راه خدا سفر می‌کنید و به افراد ناشناس برمی‌خورید، درباره آنان تحقیق کنید و به کسی که سلام به شما می‌کند نگوئید مومن نیستی، تا به منظور گرفتن اموالش او را به قتل برسانید و بدانید که نزد خدا غنیمت‌های بسیار هست. خود شما نیز قبل از این، چنین بودید و خدا (با نعمت ایمان) بر شما منت نهاد، پس به تحقیق بپردازید که خدا به آنچه می‌کنید باخبر است.

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۶، ص ۲۲۱۷.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ج ۱، ص ۳۲.

۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ص ۱۷۸.

۵. ابن فارس، ابوالحسن، المقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۳۳.

۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۳۱۳.

العرب این لغت را در چند معنا به کار می برد: اَمْن (متضاد خوف) امانت (متضاد خیانت)؛ ایمان (متضاد کفر) و تصدیق (متضاد تکذیب).<sup>۱</sup>

بنابراین اگر ایمان ثلاثی مجرد از ماده «أمن» باشد، در معنای متضاد با خوف استعمال می شود. مانند قول خداوند که می فرماید: ﴿وَلَيَبْذُلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُوا بِي شَيْئًا﴾.<sup>۲</sup> اگر ثلاثی مزید متعدی به وسیله حروف «باء» و «لام» باشد، به معنی تصدیق می آید؛ مانند قول خداوند سبحان که می فرماید: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾.<sup>۳</sup> ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا﴾.<sup>۴</sup>

### ایمان در اصطلاح

واژه ایمان، یکی از واژه هایی است که درباره معنای اصطلاحی آن، دیدگاه های مختلفی ارائه شده است. روشن است که ایمان لغوی در این بحث به معنای تصدیق است؛ اما در معنای اصطلاحی ایمان، این پرسش مطرح است که تصدیق به چه معنی و دارای چه اجزایی است؟ در معنای اصطلاحی ایمان، سه جزء تصدیق به زبان (اقرار)، تصدیق به قلب و تصدیق به اعمال متصور است. همین اختلافات زمینه را برای تولید دیدگاه های مختلف پیرامون معنی اصطلاحی ایمان فراهم آورده است.

### ایمان از منظر سلفیه

ایمان از دیدگاه علمای سلفیه، تصدیق قلبی همراه با عمل است.<sup>۵</sup> تصدیق قلبی شامل ایمان به خدا، ملائکه، کتب، رسل و سرای آخرت می شود؛ در منظر آنها ایمانی در دین مورد قبول است که همراه عمل بوده و ایمان (تصدیق قلبی) بدون عمل، اعتباری ندارد؛ به همین دلیل آلبانی دیدگاه حنفیه و ماتریدیه را (که معتقدند قول و اعتقاد در ایمان کافی است و عمل در آن شرط نیست) برخلاف دیدگاه سلف، مانند مالک، شافعی، احمد و

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

۳. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۴. سوره یوسف، آیه ۱۷.

۵. ابن تیمیه، احمد، الايمان، ص ۱۵.



اوزاعی می‌داند. او می‌گوید: سلف ایمان را اقرار، تصدیق و عمل به ارکان تعریف کرده‌اند.<sup>۱</sup> آلبانی در پاسخ به سوالی که آیا اختلاف در معنای ایمان، بین مذهب حنفیه و ماتریدیه با مذهب سلفیه، اختلاف صوری است یا نه می‌گوید: اختلاف بین دو مذهب، اختلاف صوری نیست؛ زیرا هرچند دو مذهب در مورد مرتکب کبیره هم‌نظر هستند و چنین شخصی را کافر نمی‌دانند؛ اما اگر حقیقتاً اختلافی نداشتند، باید در کم و زیاد شدن ایمان به معصیت یا اطاعت نیز، متفق بودند؛ اما برخلاف کتاب و سنت و آثار سلف، حنفیه شدت و ضعف ایمان (اصل ایمان) را نمی‌پذیرند.<sup>۲</sup> ابن تیمیه در تمایز ایمان از اسلام، جایگاه ایمان را در قلب می‌داند که شامل ایمان به خدا، ملائکه، کتب، رسل و سرای آخرت می‌شود و به روایت معروف «الاسلام علانیه و الایمان فی القلب» استناد می‌کند.<sup>۳</sup> وی اعتقاد دارد ایمان مستلزم عمل است و به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کند: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛<sup>۴</sup> در این آیه ایمان از افرادی که صفات مذکور در آیه را نداشته باشند نفی شده است.<sup>۵</sup> او چهار نظر بین سلف و بزرگان اهل سنت در تفسیر ایمان را این‌گونه می‌شمارد:

۱. قول و عمل؛

۲. قول، عمل و نیت؛

۳. قول، عمل، نیت و پیروی از سنت؛

۴. قول به زبان، اعتقاد به قلب و عمل به جوارح؛

وی در جمع‌بندی این اقوال می‌نویسد: همه این اقوال صحیح است؛ پس عمل شرط ایمان است.<sup>۶</sup> در حقیقت تصدیق قلبی کامل، مستلزم عمل ظاهری است و نمی‌توان

۱. البانی، ناصرالدین، الفتوی للشیخ آلبانی (مجموع فتاوی آلبانی)، ج ۲، ص ۵.

۲. همان.

۳. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۵.

۴. «فقط کسانی به آیات ما ایمان دارند که چون به وسیله آن آیات، حقایق را به یادشان آرند سجده‌کنان به‌رو دریافتند، و پروردگارشان را در حالی که تکبر نمی‌ورزند همراه با ستایش، پاک و مبزا می‌دارند»؛ (سوره سجده، آیه ۱۵).

۵. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۲۹.

۶. همان، ص ۱۳۷.

ایمان قلبی تام را از عمل جدا کرد و بدون عمل ظاهری ایمان کامل نیست؛<sup>۱</sup> همچنین معتقد است که گذشتگان میان قول و عمل تفاوتی قائل نبودند و عمل را بخشی از ایمان می‌دانستند.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه در کتاب خود سوالی را مطرح کرده که به آن جواب می‌دهد. سوال این است که اگر ایمان مطلق، شامل تمام اوامر و نواهی شریعت بشود، پس در این صورت با از بین رفتن بخشی از عمل، ایمان نیز از بین برود و لازمه چنین سخنی تکفیر مرتکبین گناهان است؛ در این صورت یا باید عقیده خوارج پذیرفته شود که مرتکبین کبائر را کافر و جاوید در جهنم می‌دانستند؛ یا باید عقیده معتزله را پذیرفت که ایمان را از مرتکب گناه کبیره نفی می‌کنند؛ اما آنها را کافر نمی‌دانند.<sup>۳</sup> ایشان در پاسخ به این سوال می‌گویند: هیچ‌کدام از علمای اهل سنت قول خوارج و معتزله را صحیح نمی‌دانند. صحابه و تابعین اجماع دارند که باید با شخص گناه کار به احسان برخورد کرد و تأکید دارند، هرکسی ذره‌ای در قلبش ایمان داشته باشد در جهنم برای همیشه باقی نمی‌ماند؛ اما در اینکه بگوییم وقتی بخشی از ایمان برود تمام ایمان نیز می‌رود، صحیح نیست و بدعت در معنای ایمان موجب انحراف خوارج، معتزله و مرجئه بود؛ اما روایات پیامبر اکرم ﷺ و صحابه دلالت بر این دارد که وقتی مقداری از ایمان برود، ایمان کاملاً از بین نمی‌رود و به همین دلیل جمهور اهل سنت و محدثین قائل به زیاد و کم شدن ایمان هستند.<sup>۴</sup>

با مقایسه این کلام ابن تیمیه و کلمات قبلی ایشان، تناقض در دیدگاه وی دیده می‌شود. ایشان در مطالب بالا، ایمان بدون عمل به شریعت را ایمان نمی‌داند و قائل است که ایمان قلبی همیشه همراه عمل است؛ اما در پاسخ این سوال، ایمان را بدون عمل نیز می‌پذیرد و قائل می‌شود، ایمان ذو مراتب است؛ این دوگانگی در کلام چگونه قابل جمع است؟! از یک جهت عمل را در ایمان شرط می‌داند و از سوی دیگر می‌گوید که ایمان فرد

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. حقیقات مفید در مهم‌ترین ابواب عقیده، داعش، ص ۱۰۳؛ ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۵۰.

۳. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۷۵.

۴. همان، ۱۷۶.

گناه‌کار کاملاً از بین نمی‌رود.

ابن‌قیم حقیقت ایمان را مرکب از قول و عمل دانسته و برای قول نیز دو قسم می‌شمارد: قول قلب یعنی تصدیق قلبی و قول لسان، گفتن شهادتین است. عمل را نیز دارای دو قسم می‌داند: عمل قلب که همان نیت و اخلاص است و عمل به جوارح. او تمام این چهار قسم را رکن ایمان می‌داند که اگر یکی از بین برود، تمام ایمان از بین می‌رود. اهل سنت متفق‌اند، اگر هر کدام از تصدیق قلبی یا عمل قلب (نیت و اخلاص) از بین برود، ایمان هم زائل می‌شود؛ همچنان که ابلیس، فرعون، یهود و مشرکین معتقد به صدق پیامبر اکرم ﷺ بودند، بلکه اقرار هم می‌کردند، اما از او در عمل پیروی نمی‌کردند و به او ایمان نداشتند؛ بنابراین شکی نیست که با ضایع شدن اعمال جوارحی، ایمان نیز از بین می‌رود. از منظر او ایمان مجرد تصدیق نیست؛ بلکه تصدیقی است که در پی آن عمل و اطاعت باشد. اعتقاد به تصدیقی که عمل در پی آن نباشد را نمی‌توان تصدیق واقعی دانست؛ زیرا تصدیق واقعی همراه با عمل است.<sup>۱</sup> ابن‌عثیمین و صالح فوزان در تفسیر ایمان می‌گویند: اهل سنت و جماعت ایمان را اقرار به قلب، نطق به زبان و عمل به جوارح تعریف کرده‌اند.<sup>۲</sup>

سلفیان جهادی نیز برای شرط بودن عمل در ایمان به دلایلی از آیات و روایات استناد می‌کنند.<sup>۳</sup> ابوالحسن شافعی از نویسندگان داعش در کتابچه ایمان بعد از اینکه می‌پذیرد اهل سنت، تصدیق قلبی را در ایمان کافی می‌دانند، درصدد تفسیر سخن آنها به‌پا خواسته و می‌نویسد: تصدیقی که علمای اهل سنت گفته‌اند، مراد آنها انقیاد و عمل قلبی و عمل جوارح است؛<sup>۴</sup> پس ایمان شامل چهار مقوله‌ی قول زبانی، عمل جوارحی، قول قلبی و عمل قلبی است.

۱. ابن‌قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، الصلاة وأحكام تاركها، ص ۵۶.

۲. ابن‌عثیمین، محمد، مجموع الفتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۴۸؛ صالح فوزان، مجموع فتاوی، ج ۱، ص ۱۲.

۳. گردی، فضل، حقیقت و مسائل و ارکان ایمان از دیدگاه اهل سنت و جماعت، ص ۲۰ و ۹؛ تحقیقات مفید در مهم‌ترین

ابواب عقیده، مکتبه الموحدین، ص ۱۰۲.

۴. شافعی، ابوالحسن، کتابچه ایمان، ص ۳۶.

روشن شد که ایمان از منظر سلفیه، تصدیقی قلبی همراه عمل است و تصدیق بدون عمل را نمی‌پذیرند.

### ایمان از منظر دیوبندیه

علمای دیوبندیه، ایمان را دارای مراتب می‌دانند. ایمان یا مدار احکام دنیوی است که تنها اعتقاد و تصدیق قلبی در این نوع ایمان (که اولین مرتبه از ایمان است) کفایت می‌کند و اصل ایمان (ایمان حداقلی)، با همین تصدیق قلبی صرف، به اثبات می‌رسد؛ یا ایمان نوع دوم (ایمان حداکثری) است که مدار احکام اخروی است و باعث ورود بدون عذاب به بهشت می‌شود.<sup>۱</sup> ایمانی که با تصدیق قلبی محقق می‌شود یا همان ایمان حداقلی قابل زیاده و نقصان نیست، یعنی فرد یا تصدیق قلبی نسبت به معتقدات دین دارد یا ندارد؛ شق سومی برای آن متصور نیست. در ایمان حداقلی، در صورتی که اعتقاد قلبی نداشته باشد، ولی به اعمال ظاهری شرع پایبند است، منافق نامیده می‌شود؛ اما در صورتی که اعمال ظاهری هم نداشته باشد، حکم کافر را دارد؛ برخلاف ایمان حداقلی، در ایمان حداکثری قابلیت زیاده و نقصان وجود دارد و ایمان به وسیله عمل و اخلاق زیاد یا کم می‌شود.<sup>۲</sup> نانوتوی، بنیان‌گذار مکتب دیوبندیه، کیفیت ایمان را به حالت متوسط میان قوه علمی و قوه عملی تفسیر کرده است. او ایمان (اخروی) بدون عمل را بی‌فایده می‌داند.<sup>۳</sup> مومن در نظر شبیر احمد عثمانی کسی است که تصدیق به قلب و اقرار به زبان داشته باشد و رکن اصلی ایمان را تصدیق می‌داند؛ اما اعمال به منزله اجزا می‌ماند که با فقدان آنها ایمان ناقص است، هرچند کاملاً از بین نمی‌روند.<sup>۴</sup> طبق این بیان، عمل فقط در زیادی و نقصان ایمان دخالت دارد، نه در اصل آن؛ زیرا کسی که اعمال را کامل‌تر انجام دهد از ایمان بیشتر و بالاتری برخوردار است. برخلاف فردی که عمل کمتر یا ناقصی انجام می‌دهد که قهراً از مرتبه پایین‌تر ایمان برخوردار خواهد بود؛ ولی اصل ایمان را دارد. خلیل

۱. کشمیری، محمد انور شاه، فیض الباری فی شرح صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۳؛ حسین علی، تفسیر جواهر القرآن، ص ۸۰.

۲. کاندهلوی، محمد الیاس، التعليق الصبح، ج ۱، ص ۱۶-۱۳.

۳. نانوتوی، محمد قاسم، آب حیات، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۴. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۱، ص ۴۱۶.

احمد سهارنپوری در این مسأله دیدگاه خود را چنین مطرح می‌کند: هرچند از برخی احادیث، دخالت عمل در حقیقت ایمان به‌دست می‌آید، اما اهل سنت اعم از متکلمان، فقها و محدثان اتفاق نظر دارند، عمل داخل در ایمان نیست. به این اعتبار که جزئی از ایمان قلمداد شود و با ترک عملی از اعمال اسلام، ایمان شخص زایل شده و کافر نامیده شود؛ بلکه به اجماع مسلمین، عمل شرط اکمال ایمان است؛<sup>۱</sup> در نتیجه ایشان، اقرار را به‌تنهایی در ایمان کافی می‌داند و تا زمانی که مرتکب کفر عملی مانند سجده به بت نشده باشد، حکم کافر بر او اطلاق نمی‌شود.

### ارزیابی

بنابراین سلفیه و دیوبندیه برخلاف معنای اسلام که اعتقادی مشابه داشتند، در معنای ایمان دارای تمایز هستند. سلفیه برخلاف دیوبندیه حنفی ماتریدی و تمام اهل سنت، قائل است که عمل داخل در تعریف ایمان است و تصدیق را در ایمان کافی نمی‌دانند؛ اما دیوبندیه به پیروی از حنفیه و ماتریدیه معتقدند، ایمان به‌معنی تصدیق است و با اقرار به شهادتین، اسلام شخص ثابت می‌شود. در اصل ایمان (ایمان حداقلی) عمل شرط نیست؛ هرچند که شدت و ضعف مراتب ایمان، با عمل صورت می‌گیرد؛ در این صورت افراد عادی با انبیا در اصل ایمان اشتراک دارند و تنها در شدت و ضعف ایمان است که ایمان آنها با هم تفاوت می‌کند.

ارزیابی دیدگاه سلفیه و دیوبندیه در مورد ایمان را می‌توان به‌صورت ذیل مطرح کرد. اسلام و ایمان در قرآن و روایات دارای استعمالات فراوانی است. مسلمانان اجماع دارند که درجه ایمان از اسلام بالاتر و درجه مومن از مسلم رفیع‌تر است؛ اما در باب اینکه اسلام و ایمان در روایات به چه معناست، باید گفت گاهی اسلام مترادف با ایمان است و گاهی اسلام غیر از ایمان است؛ پس در نتیجه اسلام دارای دو استعمال خواهد بود.

۱. استعمالی که ایمان و اسلام به یک معنا به کار رفته‌اند. مانند آیه: ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ

۱. سهارنپوری، خلیل احمد، بذل المجهود، ج ۱۸، ص ۱۱۲.

أَسْلِمَ قَالَ أَسَلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»؛<sup>۱</sup> «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»<sup>۲</sup> و یا طبق استعمال «الإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ»<sup>۳</sup> اسلام با ایمان قابل جمع است و حتی بالاترین درجه ایمان را شامل می شود. در صحیح بخاری از رسول الله ﷺ نقل شده: اسلام بر پنج پایه استوار است. شهادت به یگانگی خداوند، شهادت به رسالت حضرت محمد ﷺ، به پا داشتن نماز، به جا آوردن زکات، انجام حج و روزه ماه رمضان. در این صورت فرد مسلمان قطعاً از مومنین محسوب می شود و اینجا اسلام شامل ایمان هم هست.<sup>۴</sup>

۲. اما در بعضی از آیات، ایمان از اسلام جدا ذکر شده است. مانند آیه: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسَلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۵</sup> اسلام، در این آیه به معنی اسلام ظاهری است. اعراب بادیه نشین می گفتند: ایمان آوردیم (در باطن هم قبول داریم) در جواب آمده: بگو ایمان نیآورده اید؛ بلکه بگویید اسلام آورده ایم (تسلیم ظاهری شده ایم). از این آیه فهمیده می شود که ظرف تحقق اسلام، زبان و ظرف تحقق ایمان، قلب است و برای ورود به اسلام، اعتراف ظاهری به زبان یا هر عملی که نشان از اسلام باشد کافی است. جمع شدن ایمان و اسلام در این آیه، نشان دهنده آن است که خداوند معنای متفاوتی از هر دو لفظ اراده کرده است.

روایات نیز این دیدگاه را تأیید می کنند؛ همانند روایت عبدالرزاق که رسول الله ﷺ روز فتح مکه از مردم بر اسلام (شهادتین) پیمان گرفت.<sup>۶</sup>

عنایت به آیات و روایات مطرح شده، وجه قوت دیدگاه دیوبندیه در تعریف ایمان، داخل ندانستن عمل در اصل ایمان است؛ هرچند که عمل صالح باعث شدت ایمان می شود. در

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۱.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، حکمت ۱۲۵، ص ۵۵۵.

۴. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱، ح ۸.

۵. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۶. «قَالَ الْأَسْوَدُ: فَرَأَيْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَلَسَ إِلَيْهِ فَجَاءَهُ النَّاسُ: الصَّغَارُ، وَالْكِبَارُ، وَالنِّسَاءُ فَبَايَعُوهُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَالشَّهَادَةِ، قُلْتُ: وَمَا الشَّهَادَةُ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْأَسْوَدِ أَنَّهُ بَايَعَهُمْ عَلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (صنعانی، عبدالرزاق، مصنف، ج ۶، ص ۵).

مقابل، وجه ضعف دیدگاه سلفیه به دلیل مخالفت با قرآن و سنت این است که ایمان را تنها زمانی صحیح می‌دانند که همراه با عمل باشد و عمل را در اصل ایمان، شرط می‌دانند؛ زیرا آیه ۱۴ سوره حجرات ایمان را به وصف «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» بیان می‌کند و به صرف باور قلبی، ایمان را ثابت می‌داند؛ در واقع برخلاف نظر سلفیه عمل را شرط ایمان نمی‌داند.

## رابطه اسلام و ایمان

در رابطه با موضوع ایمان و اسلام از نگاه سلفیه باید گفت آنها معتقدند: در صورتی که ایمان و اسلام را مستقل از هم در نظر بگیریم، رابطه تساوی دارند و هرکدام شامل دیگری نیز می‌شوند؛<sup>۱</sup> اما اگر ایمان و اسلام همراه هم ذکر شوند، اسلام یعنی اعمال ظاهری که نشان از اسلام فرد باشد، مانند شهادتین یا نماز؛ اما ایمان یعنی اعمال باطنی که نیاز به تصدیق دارد، ولی تصدیق بدون عمل، ایمان نیست؛ پس عمل هم در ایمان شرط است.<sup>۲</sup>

اما دیوبندیه رابطه اسلام و ایمان را رابطه عموم و خصوص مطلق می‌دانند و معتقدند که هر مومنی، مسلمان هست، اما هر مسلمانی، مومن نیست؛ در واقع هرکسی به صرف شهادتین مسلمان محسوب می‌شود و احکام دنیوی اسلام او را در برمی‌گیرد (مانند منافق که در زمره مسلمین قرار می‌گیرد)؛ ولی ایمان یک رتبه بالاتر است و نیاز به تصدیق قلبی دارد.<sup>۳</sup>

در تایید دیدگاه دیوبندیه می‌توان به کلام باقلانی استناد کرد که از آیه ۱۴ سوره حجرات چنین نتیجه می‌گیرد: اسلام نسبت به ایمان عام‌تر است و جایگاه ایمان قلب است؛ چنان‌که جایگاه اسلام ظاهر است؛<sup>۴</sup> همچنین ابن کثیر از قرار گرفتن وصف ایمان پس از اسلام در آیه ۳۵ سوره احزاب «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»، عمومیت

۱. ابن‌عبدالوهاب، محمد، فتاوی و مسائل، ص ۵۶؛ بن‌باز، عبدالعزیز، فتاوی نور علی الدرب، ج ۴، ص ۱۹۷.

۲. ابن تیمیه، احمد، الایمان، ص ۱۵.

۳. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم شرح صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۰۰.

۴. باقلانی، ابوبکر، الانصاف فیما یجب اعتقاده و لا یجوز الجهل به، ص ۹۰-۸۹.

اسلام نسبت به ایمان را نتیجه گرفته است.<sup>۱</sup>

## نتیجه

با توجه به آنچه در تعریف ایمان و اسلام گفته شد، میان این دو مفهوم، تفاوت وجود دارد. اسلام به معنی تسلیم در برابر خداست؛ خواه این تسلیم از عمق جان باشد و یا تنها به زبان آوردن کلمه‌ی توحید و گواهی به نبوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ باشد؛ ولی ایمان، گفتن به زبان و تصدیق و عقیده قلبی به خداست؛ بنابراین، قلمرو اسلام گسترده‌تر از قلمرو ایمان است؛ اسلام شامل تسلیم ظاهری و باطنی می‌شود؛ ولی ایمان، تنها در تسلیم باطنی به کار می‌رود؛ دیوبندیه معتقدند که عمل در اصل ایمان دخیل نیست؛ برخلاف سلفیه که عمل را داخل در ایمان می‌دانند و دایره ایمان را خیلی ضیق جلوه می‌دهند. دیوبندیه اسلام را به شهادتین یا هر چیزی که نشان دهنده اسلام یک فرد باشد، تعریف می‌کنند و ایمان را تصدیق و اعتقاد قلبی می‌دانند. اسلام ظاهری مثبت احکام دنیوی است و ایمان را به حداقلی و حداکثری تقسیم می‌کنند. در ایمان حداقلی صرف باور قلبی کفایت می‌کند و عمل در آن دخیل نیست؛ اما ایمان حداکثری، ایمانی است که به وسیله عمل شدت و ضعف می‌یابد؛ سلفیه در معنای اسلام، اختلافی با دیوبندیه ندارند؛ اما اختلاف آنها با دیوبندیه بلکه با اهل سنت در فهم ایمان است. آنها معتقدند در ایمان حداقلی، تصدیق به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید عمل نیز باشد؛ اما با بررسی در قرآن و سنت می‌توان فهمید که سلفیه مخالف دین عمل کرده و فهم ناصحیحی همانند خوارج از اسلام و ایمان ارائه می‌کنند. خداوند در آیه ۱۴ سوره حجرات، اسلام را به معنای پذیرش ظاهری و ایمان را پذیرش و تصدیق قلبی معرفی می‌کند و هیچ اشاره‌ای به ایمان ندارد. بنابراین وقتی سلفی‌ها ایمان را اقرار به پذیرش دین اسلام دانسته و هر کسی که اسلام را قبول بکند مسلمان می‌دانند، پس چرا مسلمانان را در کشورهای اسلامی به راحتی تکفیر می‌کنند؟ در صورتی که با چارچوب نظری مورد پذیرش خودشان سازگار نیست.

۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۹۶.



## منابع

۱. **قران کریم**
۲. ابن تیمیہ حرانی، احمد، **اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم**، تحقیق: ناصر عبدالکریم العقل، ریاض: مکتبة الرشد، بی تا.
۳. ابن تیمیہ حرانی، احمد، **الايمان**، محقق: ناصرالدین البانی، عمان، اردن: ناشر مکتب الاسلام، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن تیمیہ حرانی، احمد، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن عبدالوهاب، محمد، **فتاوی و مسائل**، تحقیق: صالح بن عبدالرحمن الاطرم، محمد بن عبدالرزاق دویش، ریاض: ناشر جامعه محمد بن سعود، بی تا.
۶. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **مجموع فتاوی و رسائل**، بی جا: بی تا، بی نا.
۷. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **مجموع فتاوی و رسائل محمد بن صالح العثیمین**، جمع و ترتیب: فهد بن ناصر بن ابراهیم سلیمان، ریاض: دارالوطن - دارالثریا، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن فارس، ابوالحسن، **معجم المقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن فوزان، صالح، **المنتفی من فتاوی الفوزان**، بی جا: مکتب مشکات اسلامیه، بی تا.
۱۰. ابن فوزان، صالح، **مجموع فتاوی شیخ صالح فوزان**، جمع بندی: حمود بن عبدالله مطر، عبدالکریم بن صالح مقرن، ریاض: دار ابن خزیمه، اول، ۱۴۲۴ق.
۱۱. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، **الصلاة و احکام تارکها**، مدینه: مکتب ثقافه، بی تا.
۱۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۴. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۵. باقلانی، ابوبکر، **الانصاف فیما یجب اعتقاده و لا یجوز الجهل به**، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷ق.
۱۶. البانی، محمد ناصرالدین، **مجموع فتاوی البانی**، جمع و ترتیب: ابوسند فتح الله، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۷. البانی، محمد ناصرالدین، **موسوعة البانی فی العقيدة**، محقق: شادی بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء: مرکز نعمان للبحوث و الدراسات، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۸. بخاری، محمد، **صحیح بخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی جا، دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۹. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، **فتاوی نور علی الدرب**، محقق: محمد بن سعد الشویعر، بی جا:

- بی‌تا، بی‌نا.
۲۰. پورحسن، ناصر، سیفی، عبدالمجید، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، **مجله شیعه‌شناسی**، ش ۵۲، ۱۳۹۴ ش.
۲۱. **تحقیقات مفید در مهمترین ابواب عقیده**، ناشر: مکتب البحوث و الدراسات دولت الاسلامیه، بی‌جا، چاپ دوم، ۱۴۳۶ ق.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
۲۳. حسین علی، **تفسیر جواهر القرآن**، پیشاور: مکتبه السعیدیه، بی‌تا.
۲۴. دهلوی، قطب‌الدین خان، **مظاهر الحق شرح مشکوٰه شریف**، مترجم: نصرالله منصور، پیشاور: ناشر مکتب فاروقیه، بی‌تا.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، بی‌جا: مکتبه نزار مصطفی‌الباز، بی‌تا.
۲۶. رحمان، سید طالب، **الدیوبندیة تعریفها عقائدها**، ریاض: دارالصمیعی للنشر و التوزیع، چاپ اول، بی‌تا.
۲۷. سهارنپوری، خلیل احمد، **المهند علی المفند**، تحقیق: سید طالب الرحمن، ریاض: جامعہ امام محمد بن سعود، چاپ اول، بی‌تا.
۲۸. سهارنپوری، خلیل احمد، **بذل المجهود فی حل ابی داود**، بی‌جا: مکتب نعمانیہ، بی‌تا.
۲۹. سید رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، تهران: رواق روشن مهر، اول، ۱۳۹۵ ش.
۳۰. سیدزاده، عبدالواحد، **احسن المقصود فی توحید المعبود**، بی‌جا، نگین کویر، چاپ هفتم، بی‌تا.
۳۱. شافعی، ابوالحسن، **کتابچه ایمان**، مکتب الموحدین، بی‌جا، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.
۳۲. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنف**، تحقیق: حبیب الرحمن اعظمی، هند: المجلس العلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. طیب، محمد، علماء **دیوبند عقیدة و منهجاً**، دیوبند: نشر دانشگاه اسلامی دارالعلوم، چاپ دوم، بی‌تا.
۳۴. عثمانی دیوبندی، محمد شفیع، **تفسیر معارف القرآن**، مترجم: محمد یوسف حسین‌پور، تربت جام: انتشارات احمد جام، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. عثمانی، شبیر احمد، **موسوعة فتح الملهم بشرح صحیح مسلم**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.

۳۶. عثمانی، ظفر احمد، **اعلاء السنن**، تحقیق: محمد تقی عثمانی، کراچی: اداره القرآن والعلوم الاسلامیہ، چاپ سوم ۱۴۱۵.
۳۷. علی زاده موسوی، سید مهدی، **سلفی گری و وہابی تبارشناسی**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش.
۳۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، بیروت: دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴۰. قاسمی، محمد طیب، **سه اصل مهم دین**، بی نا، بی جا، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۴۱. کاندھلوی، محمد الیاس، **التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح**، دمشق: اعتدال، چاپ اول، بی تا.
۴۲. کردی، فضیل، **حقیقت و مسائل و ارکان ایمان از دیدگاه اهل سنت و جماعت**، منهاج التوحید (menhajtoheed.wordpress.com)، اول ۱۳۹۵ ش.
۴۳. مبینی، علی، **دیوبندیہ**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۹۴ ش.
۴۴. نانوتوی، محمد قاسم، **آب حیات**، پاکستان: ملتان، بی نا.

